

# بررسی دیپلماسی جمهوری اسلامی در دوره ریاست جمهوری

## حسن روحانی (دولت‌های یازدهم و دوازدهم)

علی اکبر رضایی<sup>۱</sup>

اردشیر محمدی مقدم آبدگاه<sup>۲</sup>

### چکیده

اهداف تعیین شده برای سیاست خارجی در هر دولتی به نوع نگاه آن دولت و اقدامات آن در عرصه نظام بین‌الملل جهت و معنا می‌دهد. دولت دکتر حسن روحانی که با شعار اعتدال‌گرایی بر سرکار آمد، اهداف خود در سیاست خارجی را حل مسئله هسته‌ای، ارائه یک چهره مطلوب در عرصه جهانی و رفع تحریم‌های ظالمانه قرار داد. هدف مقاله حاضر واکاوی و تحلیل نقش دستگاه دیپلماسی دولت روحانی در دستیابی به اهداف موردنظر می‌باشد. نوشتار حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و الکترونیکی ضمن بررسی اهمیت نقش دیپلماسی به میزان توان دیپلماسی دولت روحانی در دستیابی به این اهداف پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد دستگاه دیپلماسی دولت روحانی در حل مسئله هسته‌ای توانست در مدت زمان کوتاهی مسئله هسته‌ای ایران را از حالت امنیتی به حالت معمول و بی‌خطر تبدیل نماید همچنین در ارائه یک چهره مطلوب در عرصه جهانی که تابع قوانین و رژیم‌های بین‌المللی باشد نیز عملکردی مطلوب از خود نشان داد. همچنین توانست با رفع تحریم‌ها و کاهش فشار اقتصادی بر مردم و دولت راه را برای توسعه همه‌جانبه کشور فراهم آورد.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی، حسن روحانی، دیپلماسی فعالانه، اعتدال‌گرایی.

۱. کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول). rezaei.yu@gmail.com

۲. عضو سابق شورای مرکزی حزب مردم سالاری.

## مقدمه

تحولات سیاست خارجی تابعی از تحولات گفتمانی در بستر اجتماعی - سیاسی خاص بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران فاقد یک استراتژی ملی منسجم بود و در قالب گفتمان‌های مختلف مانند «مصلحت‌محور»، «ارزش‌محور»، «عمل‌گرا»، «فرهنگ‌محور» و «عدالت‌محور» بروز و ظهور یافت. به نظر می‌رسد یکی از علت‌های تنوع گفتمانی و تغییر و تحولات سریع اقتصادی و اجتماعی این است که ایران یک جامعه در حال گذار است. این قبیل جوامع دارای ویژگی‌های خاصی می‌باشند: (۱) ابهام به‌ویژه در رابطه با جهت‌گیری‌های آینده، (۲) افزایش شمار و انواع نیروها و گروه‌هایی که هم قواعد سیاسی برای دیگران پیشنهاد می‌کنند و هم مخاطب دیگران در این زمینه واقع می‌شوند، (۳) ابهام در ماهیت قواعد لازم‌الاتباع از حیث فرمان‌برداری سیاسی، (۴) دوقطبی شدن زندگی سیاسی و منازعات اصلی آن، (۵) افزایش جابه‌جایی در کنترل و تصرف منابع و ابزارهای قدرت، (۶) تولید بازی‌های زبانی و گفتمانی گوناگون، (۷) فراز و فرودهای گفتمانی و گسست و پیوست‌های هویتی، (۸) چندگانگی در حاکمیت و حکومت، (۹) تعریف و بازتعریف مستمر خودی‌ها و دگرهای درون و برون و (۱۰) تغییر مستمر ساختارها و نقش‌ها (آجیلی و افشاریان، ۱۳۹۵: ۸).

مشخص است که جهت‌گیری سیاست خارجی ایران همواره روندی ثابت و پایدار را طی نکرده است. گاهی از نتایج آن برداشت دیالکتیکی شده و گاهی هم تکوین‌گرایی مشخصه آن بوده است، اما وجه غالب این سیاست، تعارض و ناپایداری می‌باشد (همان، ۱۳۹۵: ۸).

با آغاز به‌کار دولت یازدهم در ۱۳ مردادماه ۱۳۹۲ خرده‌گفتمان دیگری در چارچوب کلان‌گفتمان اسلام‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ظهور کرد. این خرده‌گفتمان بر اساس گفتمان عام این دولت، اعتدال‌گرایی نامیده می‌شود. مهم‌ترین ویژگی گفتمان اعتدال‌گرایی ایجاد تعادل و توازن بین «آرمان» و «واقعیت» از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی است. از این‌رو، بر مبنای منطق چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گفتمان اعتدال‌گرایی را، به بیان خود رئیس‌جمهور روحانی، می‌توان «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه» یا آرمان‌گرایی واقع‌بین نامید (یوسفی جویباری و خورشیدی، ۱۳۹۶: ۱۳-۱۲).

مهم‌ترین شاخص‌های سیاست خارجی دولت حسن روحانی شامل محورهایی همچون دوری از تنش و تنش‌زدایی، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود چهره، تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به‌خصوص با کشورهای همسایه مطرح شد. شاید بتوان گفت مهم‌ترین جنبه گفتمان اعتدال در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تنش‌زدایی است. مهم‌ترین جنبه‌های تنش‌زدایی در دولت حسن

روحانی را می‌توان دوری از تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و لزوم برقراری ارتباط، پیگیری دیپلماسی برد - برد، رعایت احترام متقابل، تدبیر و اعتدال در سیاست خارجی، ضرورت پرهیز از درگیری ایدئولوژیک، ضرورت جدی جهت حفظ بازدارندگی، آمادگی عملی جهت همزیستی مسالمت‌آمیز و پذیرش کثرت‌گرایی سیاسی و اقتصادی دانست (خسروی باباناری، ۱۳۹۶: ۱۹).

این رویکرد در راستای دستیابی به اهداف چشم‌انداز بیست‌ساله کشور، تقویت امنیت ملی، رفع تهدیدهای خارجی، محور قرار دادن اقتصاد و توسعه ملی در روابط خارجی، خنثی‌سازی تبلیغات در خصوص اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی، ارتقای اعتبار و افزایش احترام و عزت ایران تعیین شده بود. مبتنی بر چنین رویکردی، چهار راهبرد برای سیاست خارجی تنظیم شده بود که یکی از آن‌ها، مشارکت فعال و تعامل سازنده و مؤثر بود، که این مهم از طریق پیگیری و تعقیب راهکارهای ذیل محقق می‌شدند:

۱. برقراری، تقویت و تعمیق مناسبات دو و چندجانبه در جهت تحکیم امنیت ملی؛
۲. مقابله تئوریک و دیپلماتیک با ساختار قدرت محور جهانی؛
۳. مشارکت فعال و هدفمند در تأمین ثبات و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای و مدیریت چالش‌ها و بحران‌ها به‌منظور ارتقای اعتبار جهانی، تأمین منافع و امنیت ملی؛
۴. تقویت روند چندجانبه‌گرایی، ائتلاف‌سازی سیاسی با کشورهای همسو و مشارکت فعال در شکل‌دهی هنجارها و قواعد منطقه‌ای و جهانی بر اساس ارزش‌های اسلامی و منافع ملی (محدودی کیا، ۱۳۹۷: ۱۷).

## تعریف دیپلماسی

دیپلماسی به‌طور اولیه در دوران یونان باستان کاربرد یافت و سپس در دوران رم و بیزانس به شکوفائی رسید و زمینه را برای رسیدن به کمال خود در دوران رنسانس مهیا کرد. مفهوم دیپلماسی مثل بسیاری از مفاهیم، از یونان باستان متولد شد. یونان باستان متشکل از دولت - شهرهایی بود که در عین داشتن وجوه مشترک با هم مثل زبان و فرهنگ و مذهب مشترک و شوق مشترک به ورزش و هنرهای مشترک که آن‌ها را از «بربرها» جدا می‌کرد به دلایل چندی مثل عوامل جغرافیایی، منافع اقتصادی و سیاسی مختلف و تشکیل اتحادیه‌های متخاصم برای تسلط بر راه‌های دریایی قادر و یا مایل به ایجاد نوعی از همگرایی نبودند. وجود موازنه‌ای، هرچند متغیر، باعث شد تا هیچ‌یک از روابط بین‌المللی میان آن دولت - شهرها نتواند با ایجاد هژمونی نوعی از وحدت و یکپارچگی را ایجاد کند. واقعیت وجود نوعی از روابط بین‌المللی میان آن دولت - شهرها را می‌توان از وجود بازی‌های المپیک

در بین خود، حفظ مشترک معابد و وجود اتحادهایی برای هم قسم شدن تهاجمی یا دغای متقابل دریافت. واقعیت نیز به ارتباط میان خود دولت- شهرها از یکسو و وجود مواجهه با «جهان بربریت» از سوی دیگر نشانگر وجود نوعی از ارتباط ناگزیر میان واحدهایی بود که از سلسله مراتبی در میان خود برخوردار نبودند. وجود چنین ارتباطی، به وسیله قاصدان، پیکها و هیات‌های نمایندگی، در پیش از ۷۰۰ ق.م در آثار هومر و پس از آن در آثار توسیدید نمایان است و حتی توسیدید روایت خود را از جنگ پلوپونزی از زبان پیکها و هیات‌های نمایندگی طرف‌های درگیر نقل می‌کند. با در نظر داشتن ملاحظات و توضیحاتی که در بالا ذکر آن رفت، قطعاً تعبیر چنین ارتباط‌هایی به دیپلماسی کار نادرستی نیست (مصباح، ۱۳۹۳: ۲).

در متون تخصصی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌توان تعاریف متعددی را برای دیپلماسی سراغ گرفت که به دو دسته قابل تقسیم هستند. عده‌ای دیپلماسی را «عمل هدایت روابط میان دولت‌ها از طریق نمایندگان رسمی آن‌ها در داخل و خارج کشورها» تعریف می‌کنند. از این حیث باید دیپلماسی را نظام ارتباطات در جامعه بین‌الملل دانست که در چارچوب آن دولت‌ها با یکدیگر تعامل دارند و روابط قاعده‌مند و پیچیده‌ای برقرار می‌کنند. بر مبنای تعرف فوق، هدف دیپلماسی هدایت روابط بین کشورهای مستقل با وساطت نمایندگان منصوب آن‌ها و کارکرد عمده آن مدیریت روابط بین‌الملل به وسیله مذاکره است. عده‌ای دیگر دیپلماسی را «فن مدیریت تعامل با جهان خارج» یا «هنر و فن اداره سیاست خارجی، تنظیم روابط بین‌المللی و حل و فصل اختلافات بین‌المللی از شیوه‌های مسالمت‌آمیز» دانسته‌اند (سعیدی، ۱۳۹۶: ۹-۸).

از بررسی این تعاریف چنین استنباط می‌شود که دو برداشت و تلقی متفاوت از دیپلماسی وجود دارد: دیپلماسی به‌مثابه فرایند روابط و دیپلماسی به‌مثابه فن یا هنر (بزار). برایان وایت<sup>۱</sup> با درک درست این تفاوت معتقد است که می‌توان از دو منظر کلان و خرد به دیپلماسی نگریست و به تعریف آن پرداخت. از منظر کلان (چشم‌انداز سیاست جهانی) دیپلماسی عبارت است از فرایند ارتباطات میان کنشگران بین‌المللی برای حل و فصل کشمکش‌ها و منازعات جهانی از طریق گفتگو و مذاکره با هدف جلوگیری از وقوع جنگ. از این منظر، دیپلماسی به اشکالی از تعاملات همکاری‌جویانه دولت‌ها اشاره دارد که با هدف مدیریت و استقرار نظم در نظام جهانی و جلوگیری از تبدیل کشمکش‌ها به جنگ صورت می‌گیرد. اما از منظر خرد (چشم‌انداز سیاست خارجی) دیپلماسی به معنای ابزار در اختیار دولت‌ها در کنار دیگر ابزارها مانند نیروی نظامی تعریف می‌شود که در راستای تحقق اهداف سیاست خارجی کنشگران بین‌المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (همان، ۱۳۹۶: ۹).

۱. Brian White

دیپلماسی در ابتدای قرن بیست و یکم از دو وجه مهم برخوردار شده است. نخست، اکنون دیپلماسی برای نخستین بار کاملاً چهره‌ای جهانی در تاریخ بشر دارد و دیگر تمایزات ایدئولوژیک موجب جدایی بازیگران از یکدیگر نمی‌گردد. دوم دیپلماسی چهره‌ای بسیار متنوع و پیچیده به خود گرفته است (صبوری و صالحیان، ۱۳۹۶: ۱۱).

## اهداف سیاست خارجی دولت حسن روحانی

دستگاه دیپلماسی دولت حسن روحانی از ابتدای روی کار آمدن تمرکز و توجه خود را صرف این نمود که نشان دهد جمهوری اسلامی ایران خواستار حضور مؤثر در صحنه بین‌المللی، در چارچوب قوانین بین‌المللی می‌باشد و به همین منظور سیاست خارجی خود را در راستای این موارد تنظیم نمود:

۱. حل و فصل مسئله هسته‌ای ۲. ارائه یک چهره مطلوب در عرصه جهانی ۳. رفع تحریم‌های بین‌المللی.

### ۱. حل و فصل مسئله هسته‌ای

امنیتی شدن فرایندی است که طی آن یک کشور بیش از آنکه به عنوان یک پدیده جمعیتی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شناخته شود، عمدتاً به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی گردد. چنین کشوری در عرصه بین‌المللی به عنوان یک تهدید معرفی می‌شود و سایر کشورها تلاش می‌کنند با آن حداقل رابطه و تعامل را داشته باشند. بر این اساس کشوری که عمدتاً به عنوان پدیده‌ای امنیتی و تهدیدزا معرفی می‌شود، در تمامی زمینه‌ها به خصوص سیاسی و اقتصادی با مشکل مواجه می‌شود و هزینه‌های اقتصادی و سیاسی آن به شدت افزایش می‌یابد. در این راستا، برخی بر این باورند که با جدی شدن برنامه هسته‌ای ایران کشورهای غربی به رهبری آمریکا تلاش داشته‌اند تا ایران را به عنوان یک پدیده امنیتی معرفی کنند. آن‌ها به بهانه موفقیت‌های ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین برخی اقدامات در عرصه سیاست خارجی، تلاش می‌کردند ایران را به عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی کنند و با طرح این موضوع عملاً زمینه را برای تحریم‌های بیشتر و بالابردن هزینه‌های ایران فراهم سازند. در این بین بعضی از اقدامات و سیاست‌های دولت قبلی نیز زمینه را برای موفقیت این طرح آماده نموده است (رضائی و ترابی، ۱۳۹۲: ۱۸).

با روی کار آمدن دولت روحانی و تأکید وی بر حل مسئله هسته‌ای و بهبود روابط با غرب، راهبرد نگاه به شرق دوره احمدی‌نژاد در عمل به حاشیه رفت. رویکرد جدید در ژوئیه ۲۰۱۵ با دستیابی به توافق برجام شکل رسمی تری گرفت و روحانی با تأکید بر اینکه تحریم‌ها رفع خواهند شد، از دوره‌ای جدید در سیاست خارجی سخن به میان آورد که با کاهش تنش با غرب و بهبود روابط خارجی ایران همراه

بود. در این راستا، توافق‌هایی نیز با شرکت‌های غربی و حتی شرکت آمریکایی از جمله بوئینگ<sup>۱</sup> انجام شد و در مقابل از توجه به اوراسیا<sup>۲</sup> کاسته شد. این وضعیت واکنش‌هایی در پی داشت و حتی برخی در روسیه به کنایه از روحانی به عنوان «گورباچف ایرانی»<sup>۳</sup> نام بردند (نوری، ۱۴۰۰: ۱۸).

با توجه به بحران‌هایی که احمدی‌نژاد برای جمهوری اسلامی به بار آورد، تلاش برای تغییر این روند در دولت حسن روحانی آغاز شد (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۱۶). روحانی با تغییر هدایت سیاست هسته‌ای از شورای امنیت ملی به وزارت امور خارجه کوشید تا نقش خود را در پیگیری پرونده هسته‌ای پررنگ‌تر نماید. تعیین گروه کاملاً حرفه‌ای و متخصص در امور سیاست خارجی و هسته‌ای، نشان از جدیت وی برای به سرانجام رساندن مذاکرات داشت. اگرچه، پرونده هسته‌ای همواره به عنوان مسئله‌ای فرادولتی - فراحزبی مطرح شده است؛ اما حسن روحانی تلاش نمود تا دیدگاه خود مبنی بر رویکرد قاطعانه توأم با تعامل آگاهانه را، بر مذاکرات هسته‌ای حاکم گرداند. او با تأکید بر دیدگاه «چرخش سانتریفیوژ»<sup>۴</sup> در گرو چرخش اقتصاد و زندگی مردم، خیلی زود وجه تمایز خویش از سایر رقبای انتخاباتی و رؤسای جمهور پیشین را، مشخص ساخت. وی همچنین با حمایت همه‌جانبه از گروه مذاکره‌کننده و تعیین نماینده ویژه خود، در کنار گروه هسته‌ای (به‌منظور ایجاد کانال ارتباطی منظم بین رئیس‌جمهور و اعضای گروه هسته‌ای) نشان داد که حاضر به تنها گذاشتن نماینده خود در مذاکرات برای به‌دوش کشیدن بار تمام مذاکرات نیست (باقری دولت‌آبادی و مردانلو، ۱۳۹۴: ۸).

این خصوصیت، فضا را برای مذاکره‌کنندگان هسته‌ای باز کرد تا با شهامت و امید بیشتری به مذاکره بپردازند. همچنین انتخاب محمدجواد ظریف از سوی ایشان، به عنوان سکان‌دار مذاکرات باعث گردید تا تفاوت معناداری در نحوه مذاکرات با غرب صورت پذیرد؛ از این‌رو می‌توان گفت، نقش ایشان در مذاکرات هسته‌ای و هم‌سوئی فکری‌شان با حسن روحانی تغییر محسوسی را در بحث متغیر فرد که از سوی روزنا<sup>۵</sup> به عنوان عامل مهمی در تصمیم‌گیری ذکر می‌شود - ایجاد کرد. متغیری که اگرچه در دولت هشتم شرایط مشابه آن وجود داشت؛ ولی به‌واسطه هم‌راستا نبودن با متغیر نظام بین‌المللی نتوانست به تغییر محسوسی دست یابد. عدم شناسایی حق غنی‌سازی ایران در آن زمان، فضای امنیتی پس از ۱۱ سپتامبر و سرمستی ناشی از حمله موفقیت‌آمیز آمریکا به افغانستان و عراق، حضور

۱. Boeing

۲. Eurasia

۳. Gorbachev Iranian

۴. centrifuge

۵. Roseau

نومحافظه‌کاران در مسند قدرت در کاخ سفید و... خوشبینی‌های مذاکره‌کنندگان ایرانی برای تحقق وعده‌های داده‌شده در پیمان سعدآباد را، نقش‌برآب ساخت (همان، ۱۳۹۴: ۹).

درنهایت، پس از مذاکرات متعدد و فشرده، در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) به انعقاد قراردادی چند جانبه میان ایران و ۵+۱ منجر شد و با تصویب قطعنامه دیگری در شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم‌ها و محدودیت‌های ناشی از دستاوردهای هسته‌ای ایران برداشته شد (بشیر و امین، ۱۳۹۷: ۲). بر اساس این توافقنامه که برای رسیدن به یک راه‌حل جامع بلندمدت و مورد توافق طرفین و با هدف تضمین نمودن صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای ایران امضاء و طرفین به‌صورت داوطلبانه متعهد شدند تا اقدامات متقابلی را به عنوان گام اول یک راه‌حل جامع انجام دهند. بنابراین توافق قرارشد ایران برنامه هسته‌ای خود و غنی‌سازی اورانیوم را به شکلی محدود ادامه داده و نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بر تأسیسات خود تسهیل نماید. طرف مقابل نیز مقرر شد بخشی از تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران را تعلیق کرده و از وضع تحریم‌های جدید اعم از بین‌المللی، چندجانبه و یک‌جانبه خودداری نماید (رسولی ثانی‌آبادی و میرحسینی، ۱۳۹۴: ۲).

دکتر روحانی برای اینکه ایران را یک کشور متعهد به قوانین بین‌المللی نشان دهد در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)، نزدیک به ۵۷ درصد سخنرانی خود را به برجام اختصاص داد و از این میان، بخش عمده‌ای از گزاره‌های اخباری، دربارهٔ چیستی برجام، چگونگی دستیابی به آن، دولتهایی که در به‌سرانجام رساندن آن نقش داشته‌اند، و فرصت‌ها و دستاوردهای آن در ابعاد امنیتی، اقتصادی و سیاسی صادر شده است. گزاره‌های تحریکی مربوط به باید و نبایدها در مورد برجام و فعال‌سازی ظرفیت‌های آن صادر شده است و گزاره‌های تعهدی افزون‌بر تأکید بر نقش مذاکره‌کنندگان، حول تعهدات و عزم ایران در فعال‌سازی ظرفیت‌های امنیتی و اقتصادی برجام و تنها گزارهٔ عاطفی نیز دال بر اظهار امیدواری برای توسعهٔ همکاری‌ها در قالب برجام بوده است (حداد، ۱۳۹۸: ۱۷).

## ۲. ارائه یک چهره مطلوب در عرصه جهانی

یک امر کاملاً پذیرفته‌شده در دنیای کنونی این است که برداشت از واقعیت حداقل به‌اندازه خود واقعیت دارای اهمیت است. به‌عبارت‌دیگر تصویری که سایرین از یک کشور دارند، حداقل به‌اندازه واقعیت دارای اهمیت است. در این راستا ... کشورها بر اساس برداشتی که از هم دارند، همدیگر را درک می‌نمایند و بر اساس همین برداشت به اتخاذ سیاست می‌پردازند. بنابراین ارائه چهره و تصویری مثبت از کشور و تعریف آن به عنوان کشوری مسئول و تابع قواعد و رژیم‌های بین‌المللی می‌تواند باعث گسترش تعاملات و پذیرش آن کشور به عنوان یک کشور مسئول در عرصه بین‌المللی و در نتیجه

ورود گسترده تکنولوژی‌ها و سرمایه‌گذاری خارجی گردد. در این راستا، ارائه تصویری مثبت از کشور باعث می‌شود که توسعه آن برای سایرین تهدید در نظر گرفته نشود. بر این اساس، هر چند کشورها در زمینه توسعه با هم رقیب هستند و توسعه همدیگر را زیر نظر دارند، اما کشورهایی که دارای تصویر مثبت هستند، بیشتر به عنوان یک رقیب در نظر گرفته می‌شوند که باید با آن رقابت نمود. این موضوع در مورد کشوری که در عرصه بین‌المللی دارای تصویری منفی است، شرایط متفاوتی دارد. کشورها در مورد اول یعنی در شرایط رقابت با همدیگر همکاری می‌کنند، اما در حالت دوم از همکاری اجتناب کرده و سعی می‌کنند مانع از توسعه کشور دشمن گردند (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲: ۸-۹).

تنش‌زدایی یکی دیگر از خرده‌گفتمان‌هایی است که با روی کار آمدن حسن روحانی جایگاهی محوری در عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پیدا کرد (یوسفی جویباری و خورشیدی، ۱۳۹۶: ۱۴). از دیدگاه روحانی حل مسائل و مشکلات در حوزه سیاست خارجی به کاهش تهدیدهای امنیتی علیه نظام می‌انجامد. از دیدگاه دولت روحانی تهدیدها علیه ایران، تروریسم، افراط‌گرایی و خشونت‌ورزی در منطقه خاورمیانه است. در مسئله پرونده هسته‌ای، غرب با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد و صدور چندین قطعنامه در چارچوب فصل هفتم سازمان ملل متحد علیه ایران و همچنین طرح اتهاماتی مثل حمایت از تروریسم و نقض حقوق بشر در صدد بود جمهوری اسلامی را به مثابه یک پدیده «امنیتی» در جهان مطرح کند تا علاوه بر ایجاد تحریم‌های گسترده، در شرایط مقتضی تهدیدهای بیشتری علیه جمهوری اسلامی ایجاد کند. «چند کشور غربی به رهبری آمریکا تلاش داشتند به بهانه موفقیت ایران در عرصه هسته‌ای و همچنین به عنوان تهدیدی علیه امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی معرفی نمایند. به باور آقای روحانی از طریق تعامل سازنده با جهان، اعتمادسازی، تنش‌زدایی، بهبود چهره و تصویر ایران و به خصوص از طریق کسب اعتبار، می‌توان ایران را نه به عنوان یک پدیده امنیتی و تهدیدزا، بلکه به عنوان کشوری صلح‌طلب، اقتصادی و فرهنگی معرفی نمود.» (کریمی فرد، ۱۳۹۶: ۱۲-۱۳).

نمود خط‌مشی عملی و رفتار نخبگان سیاسی در دولت یازدهم [او دوازدهم] را می‌توان در پذیرش وضعیت موجود نظام بین‌الملل، تبعیت از قواعد، مقررات و ترتیبات نظام بین‌الملل، پیروی از تصمیمات و توصیه‌های مجمع عمومی<sup>۱</sup> و شورای امنیت<sup>۲</sup>، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی<sup>۳</sup>، استفاده از دیپلماسی چندجانبه برای پیشبرد منافع ملی و پرهیز از تحریک دیگران برای ایجاد ثبات مشاهده کرد. یکی از نمودهای عینی پیروی از سیاست عادی‌سازی روابط ایران بر اساس تأمین ثبات و امنیت و

۱. General meeting

۲. Security council

۳. International Atomic Energy Agency (IAEA)



به رسمیت شناختن قواعد بازی دیدارها و سفرهای متعدد وزیر امور خارجه ایران به کشورهای مختلف اروپایی، آمریکایی و آسیایی است. روحانی سیاستمداری میانه‌رو، پراگماتیک<sup>۱</sup> و تکنوکرات<sup>۲</sup> است. او به عنوان یک بین‌الملل‌گرای میانه‌رو به گسترش روابط با سایر بازیگران بین‌المللی معتقد بوده و بر این باور است که انقلاب ایران زمانی خوب کار می‌کند که درون جامعه بین‌المللی در نظر گرفته شود (همان، ۱۳۹۶: ۱۳).

همچنین دکتر روحانی در سخنرانی خود پس از پیروزی در انتخابات سال ۱۳۹۲، در مجلس شورای اسلامی، درباره برخی گروه‌های اسلامی که چهره‌های خشن از اسلام را به نمایش می‌گذارند فرمودند: «انقلاب اسلامی بنیانی دینی دارد و بدون اندیشه دینی و معنویت و اخلاق اسلامی، هویت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران از میان خواهد رفت. اما کم نیستند مسلمانانی در سطح منطقه خاورمیانه، جهان اسلام، و جهان، و دشمنانی در کل جهان، که با همه توان به عمد یا از سر ناآگاهی، چهره‌های تندخو، عقل‌گریز، ضدانسانی و نامناسب برای مناسبات دنیای جدید از اسلام به نمایش می‌گذارند. خاورمیانه و بخش‌های مهمی از جهان اسلام امروز رنج غلبه چنین قرائت‌هایی از اسلام را تحمل می‌کنند، حال آنکه پیامبر اسلام، پیامبر رحمت بود و اسلام، تعقل و خردورزی را در همه مقولات زندگی بشری به رسمیت شناخته است.» (سخنرانی حسن روحانی در مجلس شورای اسلامی: ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

ایشان در ادامه فرمودند: «دولت یازدهم بر خود فرض می‌داند که نماینده دیانت عقلانی و رحمانی و اعتدال علوی در سطح جهان باشد و از این مسیر برای فراهم آوردن زمینه‌های بیشتری برای دینداری عالمانه، انسان‌دوستانه و جاذب افراد و گروه‌ها ... استفاده نماید. بی‌شک این مهم به معنای انحراف از روح حاکم بر اهداف و ارزش‌های اسلامی، و مغایرت با موازین شرع، یا فاصله‌گرفتن از عالمان دین نیست، بلکه دولت بر این باور است که در کنه وجودی ارزش‌ها، شارع و روحانیت اسلام، ذخایر گرانبهایی برای تقویت عقلانیت و رحمانی بودن رویه حاکمیت سیاسی و مدیریت کشور وجود دارد (همان: ۱۴ مرداد ۱۳۹۲).

### ۳. رفع تحریم‌های بین‌المللی

تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به پنج دوره اصلی تقسیم‌بندی کرد که هر یک ویژگی‌های خاصی دارند.

۱. Pragmatic

۲. Technocrat

دوره اول: ۱۹۷۹-۱۹۸۱ دوره گروگان‌گیری

دوره دوم: ۱۹۸۱-۱۹۸۸ دوره جنگ ایران - عراق

دوره سوم: ۱۹۸۹-۱۹۹۲ دوره بازسازی

دوره چهارم: ۱۹۹۳-۲۰۰۱ دوره ریاست جمهوری کلینتون، مه‌ار دوجانبه

دوره پنجم: دوره پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ (ولی‌زاده بریمانلو، ۱۳۹۵: ۴).

### دوره ششم: تحریم‌های قطعنامه شورای امنیت

تحریم‌های ایران را از نظر تحریم‌کنندگان می‌توان به ۴ دسته کلی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، تحریم‌های اتحادیه اروپا، تحریم‌های تک‌جانبه از سوی کشورهای مختلف مانند ایالات‌متحده و تحریم‌های کنگره آمریکا تقسیم‌بندی کرد (روزنامه مردم‌سالاری: ۱۱ مهر ۱۴۰۰).

با نگاهی به روند کلیه تحریم‌های وضع شده از سوی غرب بر علیه کشورمان می‌توان ۵ موج تحریم را شناسایی کرد:

۱) تحریم‌های تکنولوژیک، سرمایه‌گذاری و تجهیزات نظامی: این فاز از تحریم‌ها عمدتاً باهدف محدود کردن توان نظامی ایران و جلوگیری از ظرفیت‌سازی تولید به‌خصوص در مورد نفت و گاز وضع گردید.

۲) محدودسازی نقل و انتقالات مالی: این تحریم‌ها که تصویب آن‌ها از سال ۲۰۱۰ آغاز شد و با هدف جلوگیری از ورود درآمدهای ارزی به چرخه تجاری کشور و کاهش توان مبادلات تجاری ایران وضع گردید.

۳) تحریم بانک مرکزی: در این فاز از تحریم‌ها که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ و با مشارکت اتحادیه اروپا و آمریکا تدوین شد، جلوگیری از دسترسی بانک مرکزی به درآمدهای ارزی، اختلال در پشتوانه پولی کشور و محدودیت هرچه‌بیشتر جریان تجارت خارجی و به‌طور کلی آسیب جدی به اقتصاد ایران اهداف اصلی غرب را تشکیل می‌داد.

۴) تحریم‌های فروش نفت و گاز: این فاز از تحریم‌ها که به موازات فاز پیشین وضع شد، کاهش شدید درآمدهای نفتی ایران و به‌تبع آن، تخریب متغیرهای کلیدی اقتصادی کشور نظیر ارزش ریال، بودجه دولت و تجارت خارجی را هدف قرار می‌داد.

۵) ممنوعیت مبادلات فلزات گرانبها و طلا و مسدودسازی وجوه: در این فاز از تحریم‌ها که توسط اتحادیه اروپا در اواخر سال ۲۰۱۲ و کنگره آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۳ به‌تصویب رسید، تلاش شد تا

امکان استفاده از درآمدهای ارزی انباشت شده ایران در کشورهای دیگر محدود شود و فشارها در بخش صنایع مادر ایران گسترده شود (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱-۱۲).

برچیده شدن و از بین رفتن زیرساخت تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای، که بعضاً از آن با تعبیر «لغو تحریم‌ها روی کاغذ» یاد می‌شود، به لحاظ حقوقی و سیاسی اهمیت خاصی دارد چراکه تمامی قطعنامه‌ها، قوانین و مقرراتی که تحریم‌ها به واسطه آن‌ها وضع شده‌اند را از بین می‌برد. این زیرساخت‌ها عبارت بودند از:

### الف). قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد:

با عنایت به بند اجرایی (آ) قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، از زمان گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به آن شورا مبنی بر انجام تعهدات هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در چارچوب برجام یعنی در تاریخ ۲۶ دی ۱۳۹۴، هفت قطعنامه الزام‌آور شورای امنیت شامل قطعنامه‌ها ۱۹۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۰۲۴ (۲۰۱۵) لغو گردید.

لغو قطعنامه‌های فوق‌الاشعار باعث گردید تحریم‌های اعمال شده از سوی شورای امنیت بر جمهوری اسلامی شامل تحریم‌ها و محدودیت‌های گسترده در حوزه‌های بانکی و مالی، بیمه، حمل‌ونقل لغو گردد و ساختار نهادی تحریم‌ها که در قالب کمیته تحریم قطعنامه ۱۷۳۷، تیم نظارت بر تحریم‌ها و پنل کارشناسی ایجاد شده بود، منحل شود. اما مهم‌ترین اثر لغو تحریم‌های شورای امنیت، از میان رفتن مبنای حقوقی و سیاسی برای مشروعیت‌زدایی از برنامه هسته‌ای ایران و توجیه‌کننده قانونی تحریم‌های ملی و منطقه‌ای بوده است.

لغو قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت که محور اصلی آن‌ها مکلف کردن ایران به تعلیق برنامه غنی‌سازی و چرخه سوخت بود، و استفاده از ادبیات کاملاً متفاوت در قطعنامه جایگزین یعنی قطعنامه ۲۲۳۱، به این معنا است که شورای امنیت با عدول از خواسته اولیه خود وجود برنامه صلح‌آمیز ایران شامل چرخه کامل سوخت هسته‌ای را مورد شناسایی قرار داده است.

### ب). تحریم‌های ایالات متحده:

اقدامات آمریکا در رفع تحریم‌ها که در روز اجرایی شدن برجام صورت گرفت به شرح زیر می‌باشد:

۱. لغو یا اصلاح ۵ فرمان اجرایی تحریمی علیه ایران: رئیس‌جمهور آمریکا طی فرمان اجرایی شماره ۱۳۷۱۶، تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران که طی فرمان‌های اجرایی ۱۳۵۷۴، ۱۳۵۹۰، ۱۳۶۲۲ و

۱۳۶۴۵ را اصلاح نمود. رئیس‌جمهور در همین تاریخ طی نامه‌ای به روسای سنا و مجلس نمایندگان آمریکا صدور فرمان اجرایی جدید را اطلاع‌رسانی نمود.

۲. توقف اجرای تحریم‌های مرتبط هسته‌ای کنگره: تصمیم لغو تحریم‌های مرتبط هسته‌ای علیه ایران که در روز پذیرش توافق یعنی ۲۶ مهرماه ۱۳۹۴ گرفته شده بود، از روز ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ وارد مرحله اجرایی گردید. بر اساس تصمیم مذکور، اجرای بخش‌هایی از قانون به اصطلاح آزادی ایران و مقابله با اشاعه، قانون مجوز دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲، قانون تحریم‌های ایران و قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر متوقف گردید. به گزارش فارس، در ادامه این گزارش آمده است: بدین ترتیب تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران در حوزه‌های فروش نفت به خریداران اروپایی و آسیایی، بانکی و مالی، ارائه خدمات بیمه‌ای، معاملات نفتی و پتروشیمی، کشتی‌رانی و کشتی‌سازی و امور بندری، تجارت فلزات گران‌بها و نرم‌افزار و نیز بخش خودروسازی ایران متوقف گردید.

۳. خروج نام بیش از ۷۰۰ شخص حقیقی و حقوقی یا هوایما و کشتی از فهرست تحریم‌های آمریکا: وزارت خزانه‌داری آمریکا در راستای تعهد آمریکا مبنی بر خروج افراد و نهادهای مندرج در ضمیمه شماره ۳ برجام از فهرست تحریم‌ها، با انتشار اطلاعیه‌ای در روز اجرایی شدن برجام فهرست کامل این افراد و نهادهای منتشر نمود. بر این اساس در روز اجرای برجام نام ۴۴۵ شخص حقیقی و حقوقی ایرانی به‌همراه ۳۰۳ هوایما، نفتکش و کشتی ثبت شده در ایران که طی سال‌های گذشته به‌بهبانه برنامه هسته‌ای ایران تحت تحریم قرار گرفته بودند، از فهرست‌های تحریمی آمریکا خارج شدند.

۴. صدور مجوزهای لازم برای رفع موانع قانونی فروش هوایمای غیرنظامی و قطعات و خدمات آن به ایران، صادرات فروش اقلام غذایی از ایران و رفع موانع فعالیت شرکت‌های آمریکایی با ایران: وزارت خزانه‌داری آمریکا طی بیانیه‌ای رسمی در روز اجرای برجام شرایط اعطای مجوز برای صادرات مجدد، فروش، اجاره یا انتقال هوایمای غیرنظامی، قطعات و خدمات جانبی آن را مشخص نمود.

### ج). تحریم‌های اتحادیه اروپا:

تحریم‌های اتحادیه اروپا نیز در حوزه‌های زیر پس از توافق لغو گردید:

۱. حوزه مالی، بانکی و بیمه: شامل نقل و انتقالات مالی، عملیات بانکی، نظام پیام‌رسان مالی از جمله سوئیفت، تأمین مالی و اعتبار صادراتی.

۲. حوزه نفت، گاز و پتروشیمی: شامل واردات خرید، سوآپ، حمل و نقل نفت خام، گاز و محصولات پتروشیمی، صادرات تجهیزات و دانش فنی مرتبط و سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز.

۳. حوزه کشتی‌رانی، کشتی‌سازی و حمل‌ونقل: شامل کشتی‌رانی، کشتی‌سازی و تجهیزات و دانش فنی مرتبط، طراحی و ساخت و مشارکت در طراحی و ساخت کشتی‌های باری و تانکرهای نفتی، دسترسی پروازها و هواپیماهای باری ایرانی به فرودگاه‌های اروپایی.

۴. رفع تحریم‌های حوزه طلا، فلزات گران‌بها، اسکناس و سکه، شامل فروش، ارائه، خرید، صادرات، جابه‌جایی و حمل‌ونقل طلا و فلزات گران‌بها من جمله الماس و خدمات مرتبط من جمله تأمین مالی و ارائه خدمات امنیتی مرتبط.

۵. خروج ۴۴۷ شخص حقیقی و حقوقی ایرانی از لیست تحریم‌ها که این اشخاص دیگر مشمول محدودیت‌های صدور روادید و توقیف دارایی‌ها نخواهند بود.

### (د). تحریم‌های سایر کشورها:

بسیاری از کشورها در راستای اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت، برخی اقدامات ملی شامل تصویب و ابلاغ قوانین ملی یا دستورالعمل‌های اداری به‌عمل آورده و گزارش این اقدامات را به کمیته ۱۷۳۷ شورای امنیت ارائه داده بودند.

برخی دیگر نظیر کانادا، استرالیا، ژاپن، کره جنوبی و... در پیروی از آمریکا و اروپا، قوانین ملی تحریمی فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت علیه کشورمان وضع نموده بودند یا برخی کشورهای اروپایی در راستای اجرای مقررات اتحادیه اروپایی قوانین ملی تحریمی علیه جمهوری اسلامی ایران وضع نموده بودند (اولین گزارش سه ماهه اجرای برجام، ۱۳۹۵: ۶-۳).

با دور شدن سایه تحریم‌ها از اقتصاد ایران امیدها به خروج سریع‌تر اقتصاد ایران از رکود و حضور و فعالیت مجدد ایران در عرصه اقتصاد بین‌الملل به ویژه در حوزه دادوستدهای پولی و مالی بین‌المللی زنده شد، چون اثرگذارترین تحریم، تحریم‌های بانکی بود که با توجه به نقش بی‌جایگزین بانک‌ها در مراودات پولی و مالی بین‌المللی، در ارتباط با اقتصاد ایران با جهان اختلال زیادی ایجاد کرد و هزینه‌های زیادی را به کشور تحمیل کرد. از جمله اثرات این تحریم، کوتاهی دست ایران از درآمدهای ارزی کشور، عدم دسترسی به منابع مالی بین‌المللی، عدم امکان اجرای معاملات عادی بین‌المللی از طریق اعتبارات اسنادی و پرداخت‌های نقدی به فروشندگان خارجی از کانال‌های پریسک و غیرمعارف و فسادهای بزرگ مترتب بر آن در داخل را می‌توان نام برد. علاوه‌براین، عدم امکان استفاده از کارت‌های اعتباری بین‌المللی، از موانع جذب گردشگر در ایران بود. در زمینه صادرات نیز، وصول ارز کالاهای صادراتی را با اشکالات بسیار مواجه کرد که موجب شد سود صادرات، به‌جای تولیدکنندگان و صادرکنندگان، نصیب واسطه‌های صادراتی شود (ولی‌زاده بریمانلو، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۰).

## نتیجه‌گیری

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با روی کار آمدن دولت‌های مختلف دستخوش تغییراتی در اصول، اهداف و رفتار می‌شود. با روی کار آمدن دولت دکتر حسام روحانی، شاهد نوع متفاوتی از سیاست خارجی نسبت به دولت قبل از آن بودیم. سیاست خارجی دولت حسن روحانی نگاه جدیدی نسبت به نظام بین‌المللی داشت و خواستار همکاری با نهادها و سازمان‌ها و همچنین رفتار مطابق با رژیم‌های بین‌المللی جهانی بود.

در همین راستا، در ابتدای دولت روحانی شاهد تلاش برای رفع مسئله هسته‌ای، که به یک مسئله امنیتی برای ایران در سطح جهانی تبدیل شده بود و قطعنامه‌های متعددی در شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ایران صادر شد. این مهم بعد از ۲۲ ماه مذاکره به نتیجه رسید و برنامه هسته‌ای ایران زیر نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درآمد و پرونده ایران از حالت امنیتی خارج و ایران در نگاه سایر کشورهای جهان به عنوان یک تهدید برای امنیت جهانی، که با تبلیغات بسیاری بر علیه ایران توسط برخی کشورها نیز همراه بود، خراج گردید.

همچنین هدف دیگر سیاست خارجی دولت روحانی، ارائه یک چهره مطلوب از ایران در جهت شکست پروژه ایران هراسی دشمنان بود. در همین راستا ایران از برخی ادعاهای خود مانند ناعادلانه بودن ترتیبات قدرت در سازمان‌های بین‌المللی، قواعد و مقررات جهانی متناسب با منافع قدرت‌های بزرگ تنظیم شده‌اند و یا آلت دست بودن آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در دولت قبل از روحانی مرسوم بود، گذر کرد و خود را مانند سایر کشورها متعهد به همکاری در چارچوب قوانین سازمان‌های جهانی دانست.

هدف دیگر و شاید مهم‌ترین هدف دولت دکتر روحانی را می‌توان رفع تحریم‌های ظالمانه‌ای دانست که در طول سال‌ها بر علیه ملت ایران وضع شده بود. این تحریم‌ها هم‌ازسوی شورای امنیت، هم‌ازسوی ایالات متحده، هم‌ازسوی اتحادیه اروپا و هم از سوی سایر کشورها بر علیه ملت ایران وضع شده بود که هدف این تحریم‌ها صنایع ایران، مسائل مالی، بانکی، نفتی و... بود که فشار بسیاری را بر مردم و دولت وارد می‌ساخت. دولت دکتر روحانی با کمک دیپلماسی فعال و توانمند خود توانست این تحریم‌ها را از میان بردارد تا فشار اقتصادی از روی دوش ملت و دولت برداشته شود و مسیر توسعه کشور بار دیگر هموار گردد.

## منابع

- سعیدی، روح‌الامین (۱۳۹۶)، چرایی ظهور دیپلماسی نوین در بستر متحول نظام جهانی، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۷.
- مصباح، احسان (۱۳۹۳)، دیپلماسی کلاسیک و تکوین آن در ایران، فصلنامه سیاست، شماره ۴.
- ولی‌زاده بریمانلو، قاسم (۱۳۹۵)، بررسی تأثیر لغو تحریم‌ها و پس‌اجرام بر اقتصاد ایران از دیدگاه‌های گوناگون، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، باتومی گرجستان.
- اولین گزارش سه‌ماهه اجرای برجام (۱۳۹۵)، بی‌نا، بی‌جا.
- منظور، داود، مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۲)، بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی ویژه کارنامه اقتصادی دولت، شماره ۲.
- روزنامه مردم سالاری (۱۴۰۰)، ایران در صدر فهرست تحریم در طول تاریخ، [WWW.mardomsalari.ir/rep](http://WWW.mardomsalari.ir/rep)
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام، میرحسینی، سیدمحسن (۱۳۹۴)، بررسی عوامل شکل‌دهنده به سیاست هسته‌ای دولت اعتدال بر اساس نظریه پیوستگی جیمز روزنا، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۴.
- کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۶)، سیاست تنش‌زدایی روحانی در قبال آمریکا؛ اهداف و موانع، فصلنامه سیاست، شماره ۱.
- یوسفی جویباری، محمد، خورشیدی، ناصر (۱۳۹۶)، تبیین سیاست خارجی ایران در قبال کشورهای آمریکای لاتین، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲)، متن کامل برنامه، اصول کلی و خط مشی دولت روحانی، [WWW.isna.ir/news](http://WWW.isna.ir/news)
- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله (۱۳۹۴)، کالبدشناسی مذاکره هسته‌ای ایران و آمریکا تا حصول برجام و تصویب قطعنامه ۲۲۳۱، پژوهشنامه روابط بین‌الملل، شماره ۳۰.
- حداد، غلامرضا (۱۳۹۸)، تحلیل سخنرانی‌های حسن روحانی در مجمع عمومی سازمان ملل بر اساس نظریه کنش-گفتار: ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۸، پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۲.
- باقری دولت‌آبادی، علی، مردانلو، اسماعیل (۱۳۹۴)، عوامل مؤثر در دست‌یابی به توافق هسته‌ای در دولت یازدهم، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۲.

- بشیر، حسن، امین، محسن (۱۳۹۷)، تحلیل سخنرانی‌های حسن روحانی و داندل‌ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۲۸.
- محمودی‌کیا، محمد (۱۳۹۷)، منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۴.
- نوری، علیرضا (۱۴۰۰)، نوآراسیاگرایی در سیاست خارجی ایران دوره حسن روحانی، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، شماره ۱.
- خسروی باباناری، ملک‌تاج (۱۳۹۶)، رویکرد سیاست خارجی دولت یازدهم نسبت به نظم و امنیت منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۳۹.
- آجیلی، هادی، افشاریان، رحیم (۱۳۹۵)، گفتمان اعتدال در سیاست خارجی دولت یازدهم، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۱۹.
- صبوری، ضیاء‌الدین، صالحیان، تاج‌الدین (۱۳۹۶)، بررسی راهبردی دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مطالعه موردی: دولت یازدهم و دوازدهم، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۴.
- رضائی، علیرضا، ترابی، قاسم (۱۳۹۲)، سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۱۵.